

Unveiling Hidden Faces: An Analysis of the Sociological Masks of Sexual Offenders From the Victims' Perspective

Fatemeh Ranjbar^{1*}, Masomeh Kazempour²

1. Research center of psychiatry and behavioral sciences, Tabriz, University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

2. Department of Sociology, University of Tabriz, Tabriz, Iran

Abstract

Sexual violence against women is a global phenomenon rooted in the social, cultural, and historical structures of different societies. This phenomenon stems from false beliefs in male superiority and gender inequalities. These inequalities are reinforced and institutionalized by social norms that place men in dominant positions and women in subordinate ones. The current study, utilizing a qualitative phenomenological approach, examines the characteristics of sexual assault perpetrators from the victims' perspectives.

The data for this research was collected through in-depth, semi-structured interviews with 25 individuals, both women and men, who had experienced sexual assault at least once. The sampling was done purposefully and with adherence to the principle of theoretical saturation. Data analysis identified main themes such as "masked men," "betraying friends," "cultural poverty," and "the discrepancy between appearance and reality," organized around the central theme of "behind the mask of assault: hidden secrets".

The findings reveal that the difference between the appearance and behavior of sexual assault perpetrators and their true nature leads to victimization. This issue is influenced by the cultural poverty of society, where ignorance, social taboos related to sexual matters, and the lack of necessary education about bodily rights and personal boundaries contribute to the justification and repetition of sexual violence. These factors cause sexual assault to remain a "hidden secret," perpetuating the cycle of deviation and sexual violence.

Keywords: Phenomenology, Masked Men, Sexual Offenders, Incongruence Between Form and Content, Cultural Poverty

پرده برداری از چهره های پنهان: تحلیل نقاب های جامعه شناختی متجاوزان جنسی از

دیدگاه قربانیان

فاطمه رنجبر^{1*}، معصومه کاظم پور²

1. استاد روان پزشکی، مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

2. کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

چکیده

خشونت جنسی علیه زنان، پدیده ای جهانی است که ریشه در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی جوامع دارد. این پدیده از باورهای نادرست برتری مردان و نابرابری های جنسیتی نشأت می گیرد. این نابرابری ها با هنجارهای اجتماعی که مردان را در جایگاه های بالاتر و زنان را در موقعیت های پایین تر قرار می دهند، تقویت می شوند. مطالعه کنونی با روش کیفی پدیدارشناسی به بررسی ویژگی های عاملان تجاوز جنسی از دید قربانیان پرداخته است. داده های پژوهش حاضر از طریق مصاحبه های عمیق با 25 نفر از زنان و مردانی که حداقل یک بار تجربه تجاوز جنسی داشته اند، جمع آوری شده است. نمونه گیری به روش هدفمند و با رعایت اصل اشباع نظری انجام شد. تحلیل داده ها موضوعاتی همچون «مردان نقابدار»، «دوستان خائن»، «فقر فرهنگی» و «عدم همخوانی ظاهر و باطن» را شناسایی کرده است که حول محور مرکزی «پشت نقاب تجاوز: رازهای پنهان» سازمان دهی شده اند. یافته ها نشان می دهند که تفاوت بین ظاهر و رفتار عاملان تجاوز جنسی با ماهیت واقعی آن ها، باعث بزه دیدگی قربانیان شده است. این مسئله تحت تأثیر فقر فرهنگی جامعه است که با ناآگاهی، تابوهای اجتماعی مربوط به مسائل جنسی و فقدان آموزش های لازم درباره حقوق بدن و مرزهای شخصی به توجیه و تکرار خشونت های جنسی کمک می کند.

کلیدواژه ها: پدیدارشناسی، مردان نقابدار، عاملان تجاوز جنسی، عدم همخوانی ظاهر و باطن، فقر فرهنگی

مقدمه

سازمان بهداشت جهانی، خشونت را «به کارگیری عمدی نیرو یا قدرت فیزیکی به صورت واقعی یا تهدید به آن» می‌داند که دارای انواع مختلفی، مانند خشونت جسمی، روانی و جنسی است (Rezvani et al, 2020: 352). خشونت، یک معضل و آسیب اجتماعی است که موجب به خطر افتادن امنیت و سلامت روانی و جسمانی قربانیان خود می‌شود. با این وجود، خشونت علیه زنان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (Dehghani et al, 2022: 170). تجاوز جنسی، پدیده‌ای است که از گذشته‌های بسیار دور در جوامع مختلف وجود داشته است. اما امروزه این معضل در جوامع گوناگون به جهت ترویج دو مقوله خشونت و سکس در سطح بسیار گسترده‌ای افزایش یافته است (Ramazan Nargesi, 2004). تجاوز جنسی، نوعی عمل جنسی نامشروع، خشونت‌آمیز و بدون رضایت است که منجر به دخول آلت تناسلی مردانه در آلت تناسلی زنانه، مقعد یا دهان فرد قربانی می‌شود (Motaghi Dastenaee et al, 2013: 118). در بیشتر فرهنگ‌ها، مردان به پرخاشگری و خشونت تشویق می‌گردند و برای ارتقاء پایگاه و منزلت‌شان ترغیب می‌شوند که خشن عمل کنند؛ خطرپذیر باشند؛ برای سلطه تلاش کنند و از خود قدرت نشان دهند؛ به آن‌ها گفته می‌شود که احساسات‌شان را نشان ندهند و یا به شکل ضعیفی در نزد دیگران ظاهر نشوند. در طول تاریخ عموماً زنان جنسیتی نازل‌تر از مردان تلقی می‌شوند. در واقع در برخی فرهنگ‌ها، کودکان و زنان به عنوان دارایی مردان، تلقی می‌شوند و بر طبق امیال و اهداف مردان، مورد استفاده قرار می‌گیرند (Kittelson, 2012: 1). اصولاً خشونت علیه زنان، مشکلی عمیقاً اجتماعی است که از درون نظام خانوادگی مردسالار برمی‌خیزد. یعنی نظامی که مردان را بر زنان برتری می‌دهد. فرهنگ‌های مستعد تجاوز، دو جنس مخالف را از هم جدا می‌سازند و قدرت کمی به زنان اعطا می‌کنند (Molaverdi, 2007: 98). «ستانکو» معتقد است که ترس از وقوع جرم در زنان (ترس از مورد تجاوز قرار گرفتن) سه برابر مردان است. وی دلایل این امر را توان جسمی زنان می‌داند. زنان عموماً از نظر توان جسمی در سطحی پایین‌تر از مردان قرار دارند و این امر در نزاع‌ها و درگیری‌ها باعث می‌شود که در بیشتر موارد مغلوب باشند. احساس ترس از جرم در زنان به طور قابل توجهی با احساس زنان نسبت به قدرت بدنی‌شان ارتباط دارد؛ به طوری که با افزایش احساس توان قدرت بدنی، احساس ترس از وقوع جرم در زنان کاهش می‌یابد (Najjar Nahavandi & Ahangar Salabati, 2010: 169). زنان با هر ویژگی اجتماعی و اقتصادی در معرض تجاوز جنسی قرار دارند. لذا تجربه این ناهنجاری اجتماعی، برای این گروه متأثر از متغیر جنسیت است که ریشه در نابرابری‌های جنسیتی دارد (Kordi & Hosseini Nozari, 2015: 27). تجاوز جنسی علیه زنان و مردان، پسران و دختران انجام می‌شود. ملاحظاتمانند موقعیت اجتماعی، قومیت، گرایش جنسی و مذهبی مردان نمی‌تواند افراد را از خطر تجاوز جنسی مصون بدارد (Mason, 2012). احتمال ارتکاب تجاوز یا سایر خشونت‌های جنسی در افرادی با این ویژگی‌ها بیشتر است: استفاده از الکل و مواد مخدر، تخیلات و صحنه‌سازی‌های جنسی (فرد در ذهنش شخص دیگری را به زور وادار به عمل جنسی می‌کند)، ترجیح دادن عمل جنسی خشن، خشک و یک‌طرفه، خصومت نسبت به زنان، مورد سوءاستفاده جنسی واقع شدن در ایام کودکی، شاهد خشونت و بگومگوهای خانواده بودن در ایام کودکی، دوستی و معاشرت با افراد همسن بزهکار و دارای روحیه تهاجمی جنسی، عدم وجود جو خانوادگی حمایت‌کننده از نیازهای روانی افراد. بسیاری از مهاجمان جنسی، الگوی خشونت را از سال‌های نخستین حیات خود به همراه دارند (Kittelson, 2012: 90- 91). هدف از تجاوز، تلاش برای اطفاء میل جنسی نیست، بلکه مردان و پسرانی که مرتکب تجاوز می‌شوند، تحت فشار شدید گروه همتابان خود در صدد اثبات قدرت و مردانگی خود هستند (Kittelson, 2012: 41). فمینیست‌ها معتقدند که متجاوز نمی‌تواند پرخاشگری خود را به طور مستقیم ابراز کند و به همین جهت این پرخاشگری جابه‌جا می‌شود و زنان را آماج حمله قرار می‌دهد.

در جهان از هر 5 زن و از هر 38 مرد، یک نفر قربانی تجاوز جنسی می‌شوند و از هر 14 مرد، یک نفر گزارش می‌دهد که در طول زندگی خود با استفاده از زور فیزیکی یا از طریق الکل یا مواد مخدر مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است (Basile et al, 2021). بر اساس مطالعات سازمان ملل، درصد زنان گزارش شده به عنوان قربانی تجاوز جنسی از 1/6 درصد در آسیا، 3/7 درصد در اروپا و 5/4 درصد در آمریکای لاتین تا 12/1 درصد در آفریقا بوده است. فراتحلیل نتایج 323 مطالعه دیگر از سراسر جهان، شیوع سوءاستفاده جنسی را 12/7 درصد گزارش کرده است. این در حالی است که بسیاری از این تجاوزات به دلایل فرهنگی، اجتماعی و قانونی هرگز گزارش نمی‌شوند. هر چند در زمینه آمار تجاوز در کشور ایران، گزارش مستندی تا کنون منتشر نشده است با این وجود بر اساس نتایج مطالعه توفیقی زواره، علت 19/8 درصد از 494 مورد معاینه بکارت در مرکز پزشکی واحد مرکز تهران، تجاوزات جنسی گزارش شده است (Robatjazi et al, 2015: 23-24). در مطالعات جامعه‌شناختی انجام شده با موضوع تجاوز جنسی در ایران، سوابق پژوهشی اندکی با محوریت عاملان تجاوز جنسی یافت شد. ظاهراً به دلیل مجازات سنگین این انحراف اخلاقی در صورت اثبات، محققان نتوانسته‌اند به عاملان تجاوز جنسی دسترسی پیدا کنند. در این مطالعه نیز بعد از تلاش فراوان و ناکام ماندن از دستیابی به متجاوزین و به علت عدم همکاری مراجع ذی‌ربط، بر آن شدیم تا از دیدگاه قربانیان به ویژگی‌های عاملان تجاوز جنسی بپردازیم. بنابراین این مقاله به بررسی ویژگی‌های عاملان تجاوز جنسی از دیدگاه قربانیان می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

حقیقت‌منش و همکاران (2010) پژوهشی با عنوان «طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ابعاد طرح‌واره تجاوزگران جنسی» با روش آزمایش در دو گروه 34 نفری، یک گروه تجاوزگران جنسی و یک گروه افراد عادی انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میانگین نمرات طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و ابعاد طرح‌واره گروه تجاوزگران جنسی بیشتر است. ایشان پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی سبک‌ها و ابعاد دلبستگی بزرگسالان در تجاوزگران جنسی و مقایسه آن با افراد عادی» انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میانگین نمرات گروه تجاوزگران جنسی در بعد اضطراب دلبستگی و همچنین در سبک‌های دلبستگی ناایمن به طور معنی‌داری از گروه عادی بیشتر است.

زررعت‌پیشه و شیرینی ورنامخواستی (2022) پژوهشی با عنوان «تحلیل جرم‌شناختی باورهای نادرست از مرتکبان و بزه‌دیدگان تجاوز جنسی در پرتو نظریه فرهنگی» به روش کتابخانه‌ای انجام داده و اظهار می‌دارند: در تحلیل جرم تجاوز جنسی به زنان، دو رویکرد مختلف شکل گرفته است: نخستین نگرش، تجاوز جنسی را جرمی با انگیزه اعمال قدرت و کنترل بر زنان، تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی مردسالارانه، تبیین می‌کند؛ و دیگری تجاوز را جرمی با میل و انگیزه شخصی مردان، جهت ارضای نیازهای جنسی تفهیم می‌کند.

اسمال بونی و ددز^۱ (2001) در بررسی خود نشان دادند که اکثر افرادی که به جرم تجاوز جنسی به زنان در زندان به سر می‌برند، دارای والدین طردکننده، از نظر عاطفی سرد و مضایقه‌گر بوده‌اند که به طور خاص با پرخاشگری، سوء رفتار و فقدان مراقبت و هم‌دردی مشخص می‌شوند.

کرایساتی^۲ و همکاران (2002) پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های عاملان سوء استفاده جنسی از کودکان که در کودکی قربانی سوء استفاده جنسی شده‌اند» انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عاملان تجاوز به کودکان، به طور قابل توجهی

1 . Smallbone & Dadds
2 . Craissati

احتمال دارد که طیف وسیعی از آزار و اذیت در دوران کودکی و مشکلات مرتبط را تجربه کرده باشند. همچنین بسیار احتمال دارد که این افراد مشکلات روانی- جنسی داشته باشند.

ابی^۱ و همکاران (2007) پژوهشی با عنوان «بررسی ویژگی‌های عاملان تجاوز جنسی» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که در مقایسه با افراد غیرمتجاوز، متجاوزان، همدلی کمتر، وابستگی کمتر به بزرگسالان، توقعات بیشتری برای داشتن رابطه جنسی در اوایل رابطه، نگرش مثبت‌تر در مورد رابطه جنسی معمولی، انگیزه‌های تسلط جنسی قوی‌تر، مصرف مکرر الکل در موقعیت‌های جنسی داشتند. در این تحقیق، با متغیر خصومت نسبت به زنان رابطه معناداری پیدا نشد.

سیگوردسون^۲ و همکاران (2010) پژوهشی با عنوان «جوانان آزارگر جنسی: چه عواملی آنها را از سایر جوانان متمایز می‌کند؟» انجام داده‌اند. برای مردان، مدل نهایی نشان می‌دهد که آنچه که مجرمان جنسی را از هم‌تایان خود متمایز می‌کند، سابقه سوء استفاده جنسی، خشونت تجربه‌شده در خانه، خودتنظیمی جنسی ضعیف و همسالان بزه‌کار است. این مدل نهایی برای متجاوزان زن، مشابه همین مدل است با این تفاوت که متغیر خشونت در خانه، عامل پیش‌بینی‌کننده قابل توجهی در مورد زنان نبود.

ویقنر^۳ و همکاران (2014) پژوهشی با عنوان «نوع رابطه و تقدم جنسی: ارتباط آن‌ها با ویژگی‌های مرتکبین تجاوز جنسی» انجام داده‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که عمده ویژگی عاملان، به طور قابل توجهی با تقدم جنسی (تقدم جنسی به معنای سابقه رابطه جنسی توافقی متجاوز با قربانی) مرتبط بود. عاملان با تقدم جنسی، تحریک پذیرتر بودند و تعداد شرکای جنسی یک بار مصرف بیشتری داشتند.

ریورا و جفلیک^۴ (2020) پژوهشی با عنوان بررسی «رابطه بین خشم، پرخاشگری و استفاده از مواد با تجاوز در کمیسیون جرایم جنسی» انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داد که 64/6 درصد از افراد این نمونه، یعنی 159 نفر، در زمان ارتکاب، مست بوده‌اند. همچنین متجاوزانی که در زمان ارتکاب جرم، از مواد استفاده کرده بودند، رفتار پرخاشگرانه بیشتری نسبت به قربانی داشتند. موارد استفاده از مواد و رفتار پرخاشگرانه نسبت به قربانی، در متجاوزان به عنف، بیشتر از محکومانی بود که به کودکان تجاوز کرده بودند.

باسیل^۵ و همکاران (2021) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر مواد مخدر و الکل بر قربانی و متجاوز در ایالات متحده» انجام داده‌اند که یافته‌های آن نشان می‌دهد، اکثر قربانیان تجاوز جنسی، گزارش کرده‌اند که اکثریت شرکای جنسی آشنا و مجرمان غریبه در طول تجاوز از مواد مخدر و یا الکل استفاده می‌کردند.

گیمنز^۶ و همکاران (2022) پژوهشی با عنوان «مقایسه ویژگی‌های عاملان تجاوز جنسی در تجاوزات فردی و گروهی» انجام داده و به بررسی رابطه بین اندازه گروه با سن، قومیت مجرمان، مصرف الکل و مواد مخدر توسط عاملان، سوابق قبلی مجرمان و پرخاشگری جنسی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد که با بزرگ‌تر شدن اندازه گروه، سن ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. از نظر سوابق قبلی، مجرمان تنها، سوابق قبلی بیشتری داشتند. از نظر مصرف الکل و مواد مخدر، موارد مصرف الکل و مواد مخدر در مجرمان دو نفره بیشتر بود. از لحاظ خشونت جنسی در حین تجاوز، خشونت جنسی گروه دو نفره کمتر بود.

1 . Abbey

2 . Sigurdsson

3 . Wegner

4 . Rivera & Jeglic

5 . Basile

6 . Gimenez

زومر^۱ و همکاران (2023) پژوهشی با عنوان «شناسایی ویژگی‌های عاملان تجاوز جنسی زن و مرد» انجام داده‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که مشخصات متجاوزان با چرخه زندگی، وضعیت تأهل، تحصیلات، رنگ پوست، قومیت، شغل، خشونت در دوران کودکی، مصرف الکل و مواد مخدر، ارتباط دارد.

چارچوب مفهومی

نظریه خنثی‌سازی (موجه‌نگاری) جرم که گرشام سایکس و دیوید ماتزا^۲ در سال 1957 آن را مطرح کردند، بیانگر آن است که مجرمین برای اینکه تصویر ذهنی قبیح جرم را به هنگام ارتکاب جرم از ذهن خود بزدایند و آسان‌تر مرتکب جرم شوند با استفاده از روش‌ها و فنونی به توجیه اعمال و رفتار مجرمانه خود می‌پردازند (Rahiminejad, 2015: 102). به نظر باولبی^۳ اختلال شخصیت ضداجتماعی یا جامعه‌ستیز، نوعی به‌هم‌ریختگی ارتباط میان فرد و جامعه است و به رفتار ناپهنجاری گفته می‌شود که در جامعه موردپسند نیست، ولی معمولاً نزد عامل آن، ناپسند و زیان‌بخش شمرده نمی‌شود. افراد جامعه‌ستیز به هنجارهای اجتماعی بی‌اعتنا و بی‌تفاوت است. آنها دائماً در جستجوی ارزش‌های افسانه‌ای است و به دلیل ضعف اراده، به آسانی گرفتار مواد مخدر و الکل می‌شوند؛ انحراف‌های جنسی به فراوانی در آنها دیده می‌شود و آنان بدون احساس کوچک‌ترین پشیمانی، مرتکب جرم می‌شوند. جان باولبی بر این باور است که محرومیت کودک از مادر در سال‌های اولیه زندگی، می‌تواند باعث رفتار جامعه‌ستیزی در سال‌های بعد گردد (Sotode, 2005).

کج‌رفتاری، رویدادی غیرطبیعی در جامعه است در حالی که مرتن^۴ در سطح ساختار اجتماعی نشان داد که کج‌رفتاری را می‌توان پاسخی عادی به شرایط اجتماعی غیرعادی دانست. سادرلند^۵ معتقد است که کج‌رفتاری را با اصول یادگیری اجتماعی بهتر می‌توان تبیین کرد تا با اصول روان‌شناختی مرضی (Seddig Servestani, 2011: 49). سینگر و لوبین^۶ معتقدند که در برخی از کشورهای سرمایه‌داری، مردانی که مرتکب تجاوز به عنف می‌شوند، یک بیمار روانی شناخته می‌شوند تا مجرم. زیرا چنین رفتاری در مورد مردان یک بیماری تعریف شده است تا جرم. در حالی که در مورد زنان این عمل به عنوان یک انحراف اجتماعی تعریف می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل برای این تبعیض، آن است که وضعیت مقتدرانه مردان در جوامع مبتنی بر مردسالاری موجب شده رفتار انحرافی زنان را ناشی از ناتوانی مردان در کنترل همسرانشان بدانند. فلسون^۷ هم معتقد است که متجاوزان به قربانیان خود به عنوان منبعی برای لذت جنسی نگاه می‌کنند و تجاوز به عنف معمولاً در طبقات پایین جامعه مطرح می‌شود. برگس و درپیر^۸ بر این باورند که رفتار خشونت‌آمیز علیه زنان در اثر احساسات شدید و زودگذر به وجود می‌آید و غالباً با یک طرح حساب شده و از قبل برنامه‌ریزی شده، جهت دستیابی به اهداف مادی خاص انجام نمی‌شود (Ahmadi, 2008: 208-227). جامعه‌پذیری از نظر مرتن، فرآیندی است که افراد ارزش‌ها، هنجارها، دانش و مهارت لازم را برای زیست در یک اجتماع به دست می‌آورند. تایرنی و رودز^۹ جامعه‌پذیری را فرآیند آیینی تعریف می‌کنند که متضمن انتقال فرهنگ است (Mahdie et al, 2016: 48). دوبور^{۱۰} از

1. Zomer
2. Gresham Sykes & David Matza
3. Bowlby
4. Merton
5. Sutherland
6. Singer & Lewin
7. Felson
8. Burgess & Derpier
9. Tierney & Rhodes
10. De Beauvoir

جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی به عنوان عامل سلطه مرد بر زن یاد می‌کند. به اعتقاد وی، شخصیت دختران و زنان می‌توانست بسیار متفاوت با الگوهای نابرابر کنونی شکل گیرد، مشروط بر اینکه دخترچه‌ها از ابتدا با همان توقعات و پاداش‌ها و همان سخت‌گیری‌ها و آزادی‌هایی تربیت می‌شدند که برادرانشان تربیت می‌شوند (Ahmadi et al, 2021: 551). همه نظریه‌های ستمگری جنسی، موقعیت زنان را پیامد نابرابری قدرت میان زنان و مردان می‌انگارند (Ritzer, 2017). یکی از ویژگی‌های طبیعی افراد، جنسیت آنهاست که در بیشتر جوامع بر پایه معیار فرهنگی- اجتماعی ارزیابی می‌شود. در این بستر فکری، معمولاً زنان کم‌ارزش‌تر از مردان پنداشته می‌شوند و موقعیت فرودست منزلت - قدرت را به دست می‌آورند. ولستون کرافت^۱ معتقد است که بسیاری از تفاوت‌ها بین دو جنس به صورت اجتماعی ساخته می‌شود نه طبیعی. دوبور^۲ معتقد است که نابرابری جنسیتی، یک ساخت اجتماعی و دست‌آورد فرهنگ مردسالار است (Ahmadi & Garoosi, 2004: 6-8). مکی‌نون^۳ بر این باور است که تجاوز به عنف به جنس مربوط نمی‌شود بلکه مربوط به قدرت است. او اظهار می‌کند که در جامعه مردسالار، جنس و قدرت جدا از هم نیستند. هم زنان و هم مردان، هویت جنسی و گرایش‌های جنسی خود را در یک زمینه اجتماعی سلطه و تسلیم به دست می‌آورند. او اشاره دارد بر اینکه تجاوز به عنف، نوعی گرایش جنسی است که برای مردان لذت‌بخش است (Ahmadi, 2008: 224). مری دیلی^۴ می‌گوید: یکی از بازنمودهای اصلی شیوه تفکر در جوامع مردسالار، نهادینه شدن نقش‌های ثابت جنسیتی مردانه و زنانه است که به جامعه انسانی، شکلی دو قطبی می‌دهد. به عنوان مثال یک کلیشه سنتی در اغلب فرهنگ‌ها این است که تمایلات جنسی مردان و زنان کاملاً متفاوت است. باور بر این است که زنان نسبت به مردان تمایلات جنسی ضعیفی دارند و از لحاظ انگیزش جنسی با مردان متفاوتند. عادت به تجاوز جنسی و اجبار جنسیتی از جمله در این فرض، که زنان دارای میل جنسی کنترل شده هستند، اما مردان نمی‌توانند میل جنسی خود را کنترل کنند، مشهود است (Zeraatpishe et al, 2020: 153). فیلیپ ویچ^۵ هم می‌گوید: تجاوز جنسی، خود ایزاری جهت کنترل است. تجاوز و دیگر خشونت‌ها علیه بدن زن، مجازاتی است منحصر به فرد برای زنانی که از چارچوب خارج می‌شوند. زنانی که از قالب یک زن سنتی خارج می‌شوند، به طور طبیعی تحت سلطه مردانه قرار می‌گیرند (Zeraatpishe et al, 2020: 164). گالتونگ^۵، خشونت ساختاری را ایجاد آسیب و لطمه و وارد کردن صدمه بدنی یا روانی یا ایجاد محرومیت از طریق ساختارهای اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی تعریف می‌کند. خشونت ساختاری به معنای این است که ویژگی‌های ساختار، مانع دستیابی انسان‌ها به تمام ظرفیت خود می‌شود. خشونت ساختاری، خشونتی است که به صورت مستقیم نتیجه اقدامات هیچ فرد خاصی نیست و از سوی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی اعمال می‌شود. خشونت ساختاری نهان‌تر است اما صدمه آن کمتر از خشونت مستقیم نیست. خشونت ساختاری، منبع تمام اشکال خشونت و یکی از سرچشمه‌های اصلی بسیاری از مسائل اجتماعی است. این نوع خشونت در ساختار نهفته است و خود را به صورت قدرت نابرابر و به تبع آن فرصت‌های نابرابر زندگی و بی‌عدالتی نشان می‌دهد و نهادها و مقررات آن را به هنجار تبدیل می‌کنند. به زعم گالتونگ، خشونت بایست به هر نوع رنج اجتناب‌پذیر انسان تعریف شود که از طریق دسترسی نابرابر به فرصت‌های زندگی تحقق می‌یابد. این فرصت‌ها شامل توزیع و دسترسی نابرابر به منابع و فقدان توانایی تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری سیاسی است (Seddig Mohammadi et al, 2019: 109-115).

1 . Wollstonecraft

2 . Maki Nun

3 . Mary Daily

4 . Filipovic

5 . Galtung

مهم‌ترین پاسخ نظری در مورد علت تاریخی خشونت علیه زنان، به ساختار قدرت شکل گرفته بر پایهٔ گفتمان مردسالاری برمی‌گردد. خشونت ساختاری، تبعیض‌ها، محرومیت‌های نظام‌مند و ممنوعیت‌های نهادینه شده، در یک جامعه است و این ساختارها، نوعی از نظام مردسالاری را که نهادمند و ایدئولوژیک است، بازتولید می‌کند. این ایدئولوژی ساختارمند و سازماندهی شده در مناسبات اجتماعی سازوکار شدیدتری پیدا می‌کند. ساختار مردسالارانه با انگاره‌های عمیقاً زن‌ستیزانه و با تقسیم‌بندی جنسیتی و تبیین نقش‌های جنسیتی در نظر دارد که زنان را به واسطهٔ شیوهٔ اجتماعی شدن به انقیاد خود درآورد. خشونت سازوکار منفی اجتماعی است که در نتیجهٔ آن زنان ناگزیر از پذیرش وضعیت سلطه‌پذیری به عنوان بخشی از واقعیت زندگی اجتماعی‌شان می‌شوند. در این ساختار، مردان مردسالار، نهایت تلاش‌شان را برای زیر سلطه قرار دادن زنان انجام می‌دهند و برای این کار به هر نوع خشونت از جمله خشونت جنسی دست می‌زنند. تجاوز برآمده از برساخته‌های مردسالارانه جنسیت‌زده است که در چارچوب نظام گسترده‌تری از قدرت مردانه قرار دارد.

جمع‌بندی چارچوب مفهومی و پیشنهادها برای استفاده

چارچوب مفهومی تحقیق حاضر با تمرکز بر نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی، علل رفتارهای مجرمانه و خشونت علیه زنان را در بستر ساختارهای مردسالارانه تحلیل می‌کند. نظریهٔ خنثی‌سازی (سایکس و ماتزا) توجیهات مجرمان برای کاهش بار اخلاقی جرائم را بررسی می‌کند. در حالی که باولبی اختلال شخصیت ضداجتماعی را پیامد محرومیت عاطفی در کودکی می‌داند. مرتن کج‌رفتاری را پاسخ طبیعی به شرایط ساختاری ناهنجار معرفی می‌کند و سادرلند بر یادگیری اجتماعی هنجارشکنی تأکید دارد. در حوزهٔ خشونت جنسیتی، نظریه‌پردازانی مانند سینگر و لوین، مکی‌نون و دیلی تجاوز را نه صرفاً یک انحراف جنسی، بلکه ابزاری برای اعمال قدرت در جوامع مردسالار می‌دانند که از طریق جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی نابرابر (دوبلور، ولستون کرافت) و نهادینه‌سازی سلطهٔ مردانه تقویت می‌شود. گالتونگ نیز با مفهوم خشونت ساختاری، آسیب‌های ناشی از نابرابری‌های نظام‌مند در دسترسی به منابع و فرصت‌ها را عامل اصلی بازتولید خشونت می‌داند.

چارچوب حاضر نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان ریشه در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی دارد که با تبیین نقش‌های جنسیتی سلسله‌مراتبی، سلطهٔ مردانه را عادی‌سازی کرده و قوام می‌بخشد. در راستای این چارچوب مفهومی، پژوهش‌های مختلف به بررسی ویژگی‌ها و عوامل مرتبط با تجاوزگران جنسی پرداخته‌اند. حقیقت‌منش و همکاران نشان دادند که تجاوزگران جنسی نسبت به افراد عادی، طرح‌واره‌های ناسازگارانه بیشتری دارند و در بعد اضطراب دلبستگی و سبک‌های دلبستگی ناایمن، نمرات بالاتری کسب می‌کنند. زراعت‌پیشه و شیرری و زانمخواستی بیان کردند که تجاوز جنسی می‌تواند نتیجهٔ قدرت‌طلبی مردان یا انگیزه‌های شخصی جنسی باشد. اسمال بونی و ددز بیان کردند که تجاوزگران معمولاً والدینی طردکننده دارند. کرایساتی و همکاران دریافتند که تجاوزگران به کودکان احتمالاً در کودکی خود تجربه آزار و اذیت داشته‌اند. ابی و همکاران، سیگوردسون و همکاران، ویقنر و همکاران، ریورا و جقلک، باسیل و همکاران، گیمنز و همکاران و زومر و همکاران به بررسی ویژگی‌ها و عوامل مرتبط با تجاوزگران جنسی پرداخته‌اند که شامل عواملی مانند مصرف مواد مخدر، خشونت جنسی، پرخاشگری، و ویژگی‌های شخصیتی می‌شود. این یافته‌ها همسو با چارچوب مفهومی ارائه‌شده، نشان می‌دهند که رفتارهای مجرمانه و خشونت‌آمیز علیه زنان نه تنها ریشه در عوامل فردی و روان‌شناختی دارد، بلکه تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نابرابر نیز قرار می‌گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

از دیدگاه روش‌شناسان کیفی، عصاره پدیدارشناسی، مطالعه تجربه زیسته افراد از پدیده‌هاست و پدیدارشناسی تجربه افراد را در بافت زندگی روزمره آن‌ها مطالعه می‌کند (Akbari et al, 2021: 138). پژوهش کیفی حاضر بر اساس روش پدیدارشناسی است که داده‌های آن از سال 1400 تا 1401 جمع‌آوری شده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش، زنان و مردانی هستند که حداقل یک بار مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند. با توجه به معیارهای ورود به مطالعه، در انتخاب نمونه‌ها از شیوه نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردید. در این پژوهش مشارکت‌کنندگان با در نظر گرفتن حداکثر تنوع نمونه از لحاظ جنس (زن و مرد)، مناطق جغرافیایی (شهرهای مختلف)، محل سکونت (شهری و روستایی)، قومیت (فارس، ترک، کرد و عرب)، سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و پایگاه اقتصادی - اجتماعی انتخاب شدند. مشارکت‌کنندگان خارج از شهر تبریز توسط دو تن از کنشگران فعال حوزه زنان معرفی گردیدند و مشارکت‌کنندگان داخل شهر تبریز با شناخت قبلی انتخاب شدند. آشنایی و ارتباط اولیه با مشارکت‌کنندگان در شبکه‌های مجازی صورت گرفت و پس از جلب اعتماد، مصاحبه‌های خارج از شهر تبریز به صورت تلفنی و مصاحبه‌های داخل شهر به صورت حضوری انجام گرفت. بازگشت به مصاحبه‌شونده‌ها جهت تکمیل و ابهام‌زدایی از مصاحبه‌ها در فرآیند پژوهش صورت گرفت. متوسط مدت زمان مصاحبه‌ها دو ساعت و نیم بود و در این مطالعه، ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه یافت و با انجام 25 مصاحبه داده‌ها به اشباع رسید. گفتنی است مصاحبه‌ها با موافقت مشارکت‌کنندگان ضبط شد و پس از تهیه متن نوشتاری مصاحبه‌ها، کدگذاری صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش هفت مرحله‌ای کلایزی¹ استفاده شد. بر اساس این روش، محقق ابتدا با خواندن دقیق و مکرر مصاحبه‌ها و توصیف شرکت‌کنندگان، سعی کرد با آن‌ها مأنوس شود. در مرحله دوم، جملات و واژه‌های مهم از متن مصاحبه‌ها استخراج شد. سپس این معانی استخراج شده مفهوم‌سازی و کدبندی شدند. در مرحله بعدی پس از بازخوانی مکرر کدها، مفاهیم، فرموله شده و در درون دسته‌ها و خوشه‌های موضوعی قرار گرفت و تم‌های اصلی به دست آمد. در ادامه این روش برای توصیف جامع از پدیده تحت مطالعه، نتایج به هم پیوند می‌یابند و دسته‌های کلی‌تری به وجود می‌آورند. در مرحله بعد توصیف جامعی از پدیده تحت مطالعه ارائه می‌شود. مرحله پایانی اعتباربخشی با ارجاع به هر نمونه و پرسیدن درباره یافته‌ها انجام می‌شود و به‌علاوه جهت استحکام تحقیق از دو معیار اطمینان‌پذیری و باورپذیری استفاده می‌شود (Parhizkar & Etemadian, 2017: 13-14). در پژوهش‌های کیفی، اعتبار و پایایی مانند روش‌های کمی بر اصول مشخصی استوار نیست. البته این به زیربنا و منطق درونی پژوهش کیفی و جنبه تفسیری و تأویلی آن برمی‌گردد. عده‌ای از پژوهشگران با توجه به ویژگی متمایز و متفاوت پژوهش کیفی از کمی، به جای اعتبار و پایایی، به ابداع مفاهیمی نو همچون تأییدپذیری، انتقال‌پذیری و ... اقدام نموده‌اند (Abbaszade, 2012: 22). کلایزی معتقد است که با مراجعه به افرادی که درگیر فرایند پدیدارشناسی هستند یا از روند اجرای آن اطلاع کافی دارند، می‌توان به اعتبارسنجی این گونه تحقیقات پرداخت (Moeini & Merati, 2015: 152). در این مطالعه برای برآورد اعتبار و پایایی از نظر خبرگان مختلف استفاده شد. همچنین از میان مصاحبه‌های انجام گرفته، چند مصاحبه انتخاب، و این مصاحبه‌ها با چندین کدگذار، کدگذاری شدند.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش به شرح ذیل است:

در مجموع 25 مشارکت‌کننده، که 21 نفر از آن‌ها زن و 4 نفر مرد بودند، مورد مطالعه قرار گرفتند. میانگین سنی آنها 27/52 سال (حداقل سن 18 سال و حداکثر 43 سال) و میانگین سن در اولین تجاوز هم 17/66 بود. تحصیلات مشارکت‌کنندگان از بی‌سواد تا فوق‌لیسانس متغیر است. حدود 48 درصد آنها خانه‌دار بوده‌اند. از نظر وضعیت تأهل، 10 نفر مجرد، 10 نفر مطلقه و 5 نفر متأهل بودند. تحصیلات مادران از بی‌سواد تا لیسانس و تحصیلات پدران از بی‌سواد تا فوق‌لیسانس متغیر بوده و 68 درصد مادران خانه‌دار بوده‌اند. مشارکت‌کنندگان از شهرهای بوکان (1 نفر)، سلماس (1 نفر)، خوزستان (1 نفر)، ارومیه (2 نفر)، تهران (5 نفر)، بیرجند (1 نفر)، تبریز (6 نفر)، کرج (2 نفر)، اصفهان (1 نفر)، رامسر (1 نفر)، سنندج (1 نفر) و مشهد (3 نفر) بودند.

این مقاله با هدف شناخت ویژگی‌های عاملان تجاوز جنسی از دید قربانیان نگاشته شده است، به دلیل عدم دسترسی به عاملان تجاوز، از طریق قربانیان به مطالعه این موضوع پرداخت شده است. چهار مقوله محوری با عناوین مردان نقابدار، دوستان خائن، فقر فرهنگی و عدم همخوانی ظاهر و باطن از یافته‌ها استخراج شد. در ادامه به توضیح هر مقوله و کدهای باز و شواهد نمونه‌ای می‌پردازیم:

مردان نقابدار

چامسکی¹، ریاکاری را یکی از مصائب عمده جوامع بشری می‌داند که منشاء بی‌عدالتی، نابرابری اجتماعی و جنگ است. تظاهر، به عنوان یک مهارت اجتماعی و راهکاری برای رسیدن به اهداف، تلقی می‌شود. منفعت‌جویی و کسب منزلت، فرد را به سمت تظاهر سوق می‌دهد. برخی افراد برای رسیدن به منفعت، به تعبیر گافمن²، در هنگام کنش متقابل، سعی دارند چهره‌ای از خود را به نمایش بگذارند که مورد پذیرش دیگران باشد، در واقع آنها تلاش دارند مخاطب را متقاعد سازند که این همان خودی است که کنشگر قصد نمایش آن را دارد. گافمن این موضوع را به مدیریت اثرگذاری تعبیر می‌کند. در ایران از دیرباز به دلایل متعدد فرهنگی، سیاسی، تاریخی، طیفی از رفتارهای ریاکارانه در لایه‌های مختلف جامعه نهادینه شده و بر این اساس، بسیاری از روابط میان‌فردی شکل گرفته است. در چنین جامعه‌ای، تحلیل کنش‌های جمعی، سخت، و پیش‌بینی نتایج این کنش‌ها تقریباً غیرممکن می‌شود (Anvari, 2018: 140). مشارکت‌کنندگان این پژوهش نیز اظهار کرده‌اند که به دلیل ظاهر موجه و قابل قبول عاملان، هیچ ذهنیتی دال بر متجاوز بودن آن‌ها نداشتند.

شواهد مثالی:

ش ب می‌گوید: «بعضی مردا اونقدر محترمن که باورت نمیشه چنین کاری بکنن. بعضی مردا هم اونقدر سبک و نامحترمن که در خیابون به تو تیکه می‌پروتن. من اونجا (فاحشه‌خانه) مردای زیادی دیدم. مرد دیدم که 70 سالش بود اومده بود اونجا و اصلاً خجالت نکشیده بود. مرد 70 ساله. پسر 17 ساله. یعنی اگه بچه‌های 12 ساله رو هم می‌تونستن میاوردن اونجا. اونها براشون مهم نبود که من راضی نیستم. فقط هوسشون مهم بود. یعنی هنوز ناراحت‌م بودن که تو نمیذاری من ببوسمت یا بهت دست بزنم».

م ک می‌گوید: «اون (متجاوز) 70 سالش بود. گوشش نمی‌شنید، چشمش نمی‌دید. پدر بزرگم موقع مرگش از اون جوونتر بود. من جای نتیجه‌اش بودم»

1. Chomsky

2. Goffman

ب ق می گوید: «نگاه هیزی داشت. کلاً تریپش اینجوری بود که فک می کنی خیلی آرومه، فک می کنی هیچی ازش برنمیاد. ولی همه کاری ازش برمیاد. دم از حق الناس میزنه ولی حق همه رو میخوره. از نفوذش توی استان خیلی استفاده می کنه».

خ گ می گوید: «25 سالش بود. اسمش اصلاً اون چیزی که گفته بود نبود. یه اسم دیگه داشت. گفته بود توی آریاشهر هست. ماشینش رو فروخته خونه خریده. اصلاً سواد نداشت. رانندگی بلد نبوده، کل زندگیش دروغ بود ... هیکلی بود. وقتی گوشیشو نگاه کردم تمام گالریش یا عکس و فیلم های دخترایی بود که بهشون تجاوز کرده بود یا فیلم های پورن بود».

جدول شماره 1: مفهوم مردان نقابدار

مقوله ی اصلی	خرده مقوله ها	کدهای باز
مردان نقابدار	ظاهر و طبقه اجتماعی متجاوزین	ظاهر موجه متجاوزین، متجاوز باکلاس، متجاوز لوکس، توجه به ظواهر زندگی از سوی متجاوز، هویت جعلی متجاوز، متجاوز تحصیل کرده، متجاوز بی سواد، خاستگاه روستایی متجاوز
	ویژگی های شخصیتی و روانی متجاوزین	مردان هوسباز، افسردگی متجاوز، اختلال شخصیت متجاوز، متجاوز هرزه، متجاوز آنرمال، متجاوز سریالی، متجاوز فریبکار، افتخار متجاوز به روابط جنسی اش
	وضعیت زندگی و روابط متجاوزین	سنین مختلف متجاوزین، متجاوز پیر، متجاوز متأهل، متجاوز در شرف طلاق، کمبود در زندگی متجاوز، سابقه سوء استفاده جنسی از متجاوز در کودکی
	روش ها و رویکردهای تجاوز	نابرابری در قدرت فیزیکی، گردن نگرستن تجاوز توسط متجاوز، متجاوز باج گیر

دوستان خائن

گاهی اوقات تجاوز در درون خانواده و یا توسط اعضای فامیل رخ می دهد. در این نوع از تجاوزات به دلیل پیوندها و ارتباطات نزدیک خانوادگی و فامیلی و به دلیل اعتماد قربانی به این افراد، زمینه برای این پدیده بیشتر فراهم است. در تجاوزات فامیلی به علت آشنا بودن قربانی با متجاوز و دامنه دار بودن این تجاوزات و اینکه قربانی تا پایان عمر، با متجاوز ارتباط دارد و انتظار این عمل را از او نداشته است، آسیب های وارده بیشتر و مخرب تر است. شواهد نمونه ای این پژوهش نشان می دهد که این نوع تجاوزات در محل زندگی قربانی و یا در محل زندگی و کار متجاوز و یا در خانه مشترک قربانی و متجاوز روی می دهد. شواهد مثالی:

م ک می گوید: «شوهر خواهرم (متجاوز) 25 سالش بود. اون عیاش بود. تو خونه ما زندگی می کردن و زن های دیگه رو به خونه می آورد. خواهرمو کتک می زد. یه بار اتو رو به بازوش کوبید. اتو افتاد رو زمین شکست و دستش ورم کرد. شوهر خواهرم دو برادر بودن و یه خواهر. شوهر خواهرشون فوت شده بود. این خواهر تو سن 25 سالگی با یه مرد 40 ساله که سه تا زن داشت ازدواج کرده بود و این چهارمی بود. پدر این داماد ما 2 تا زن داشت. برادرش 4 تا زن صیغه کرده بود... شوهر خواهرم اینا آدمای بی خانمانی بودن، اونوقت تریاک می کشید الان هروئین می کشه».

س ب می گوید: «داداشم (متجاوز) 29 سالشه. 6 سال از من بزرگتره، ... اون پورن نگاه می کرد».

ژ ب می گوید: «داییم (متجاوز) الانم متأهل نشده. اون موقع ها هم متأهل نبود. خونه مجردی داره. به نظرم هفده هیجده سالش بود. چون الان 23 سالشه، اون خیلی زن ستیزه. عموم (متجاوز) هم همسن داییم بود. پسر خاله مادرم (متجاوز) نمی دونم ولی الان 26 سالشه. اونم پورن می بینه».

ح گ می گوید: «عموم (متجاوز) اون موقع 22 سالش بود. مجرد بود. 6 تا برادر و 2 تا خواهر داشت ... شیطن بود از اون تیپها بود مثل بقیه عموهام نبود. اونها یا درس می خوندن یا سرکار می رفتن. این عموم دوست دختر داشت ...».

چ ژ می گوید: «ولی تقصیری نداشت مامانم. آدم فک نمی کنه کسی که دوشش داره و اخلاقش با همه خوبه این کار رو کنه. جوری رفتار می کرد که انگار پدر خوبی بوده».

و....

جدول شماره 2: مفهوم دوستان خائن

مقوله ی اصلی	خرده مقوله ها	کدهای باز
دوستان خائن	روابط خانوادگی و نزدیک با متجاوزین	متجاوز هم خانه و هم سن پدر، متجاوز محرم و فامیلی
	ویژگی های شخصیتی و رفتاری متجاوزین	متجاوز زن باره و هوس باز، تماشای فیلم های مستهجن و صحنه دار

فقر فرهنگی

دوپویه^۱ دربارهٔ فرهنگ می نویسد: «فرهنگ، انسان را قادر می سازد دربارهٔ خودش غور و تعمق کند. این فرهنگ است که ما را موجوداتی انسانی، عقلایی و از نظر اخلاقی متعهد می سازد. به وسیله فرهنگ است که ما ارزش ها را از یکدیگر تفکیک می کنیم و به گزینش دست می زنیم. انسان، افکار و اندیشه های خود را از طریق فرهنگ بیان می کند و نسبت به خویشتن خویش آگاهی می یابد؛ اعمال خود را مورد تردید قرار می دهد و دستاوردهای خود را ارزیابی می کند و به صورت خستگی ناپذیری به تلاش برای یافتن نمادها، ویژگی های جدید و آفرینش آثاری که تعالی او را در پی دارد اقدام می کند» (Panahi, 2015: 7). فرهنگ، اساس و زیربنای هر جامعه را تشکیل می دهد و هر چقدر فرهنگ یک جامعه، مؤثرتر و کارآمدتر باشد، پیشرفت آن جامعه در مسیر رشد و تعالی بیشتر خواهد شد. بنابراین فقر فرهنگی به عنوان یک عامل بازدارنده، می تواند جامعه را به سمت قهقرا و انحطاط بکشاند، و از دستیابی به اهداف والا و تکاملی بازدارد.

شواهد مثالی:

ک ف می‌گوید: «مردانی که در عالم مستی یا نشئه‌گی هستند، قرص مصرف کرده، تعادل روحی ندارند. اونها چون قبلاً هم الکل مصرف کرده بودن و بعداً هم خوردن، تعادل روحی نداشتن. چاقو درآوردن و من از ترس چیزی نگفتم. اون دو مرد مسافربرما جوان بودن و مرد موتورسوار 45 یا 48 ساله نشون می‌داد. اونا خودشون شیشه مصرف می‌کردن قبل از تجاوزم شیشه مصرف کردن».

ع م می‌گوید: «اونها صرفاً یه مریض روانی‌اند که یه همچین کاری رو با من و امثال من انجام می‌دن. بعدها فهمیدم من اولین نفر نبودم و ظاهراً آخرین نفرشم نیستم. دیدم واقعا اینکاره هست. اون یه روانیه چونکه هیچ وقت به خاطر کاری که با من کرد معذرت خواهی نکرد. الان اگه ازش بپرسی گردن نمی‌گیره. حتماً تو زندگی شخصیش یه سری کمبودها داره که داره اینطوری بروز می‌ده».

پ خ می‌گوید: «یه آدم بی‌سواد، غیراجتماعی و آموزش ندیده. فک کنم از بچگی کلا رها شده. این آقایون فک می‌کنن هر کاری بخوان می‌تونن بکنن. اون آقایایی که به من تجاوز کرد، متأهل بود، تازه ازدواج کرده بود. اون الکل مصرف کرده بود».

خ گ می‌گوید: «... تربیت خانواده مهمه. اینکه خانواده یاد بده که بتونه نفس خودشو کنترل کنه. شاید کمبود دخترایی که خودشون بخوان اینکارو بکنن. شاید لذت اینکه با یه دختری که نمی‌خواد اینکارو انجام بده براشون بیشتره تا یکی که خودش می‌خواد».

ر د می‌گوید: «بی‌غیرتی شوهرم و پدرم علتش هست. شوهر خواهر شوهرم (متجاوز) می‌گف به خاطر شوهرت باهات اونکارو می‌کردم. می‌خواستم به شوهرت بگم بی‌غیرتی. از طرفیم تو رو دوس داشتم. می‌خواستم از هم آغوشی تو لذت ببرم».

ژ ب می‌گوید: «فک کنم توی اون سن بلوغ بودند و فقط براشون این مهم بوده که نیاز جنسی شونو ارضا کنند. براشون مهم نبود که من خواهرزاده، برادرزاده‌شونم».

و ح می‌گوید: «اون آقا (متجاوز) یه دوس دختری داشت که منم با اون دختر، دوست شدم. وقتی اون آقا فهمید مهمونی گرف و من اونجا رفتم. سر یه دختر به من تجاوز شد. من اون شب مست بودم وقتی لباس‌هامو درآوردم فهمیدم بهم تجاوز شده».

...

جدول شماره 3: مفهوم فقر فرهنگی

مقوله‌ی اصلی	خرده‌مقوله‌ها	کدهای باز
فقر فرهنگی	ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری متجاوزین	عدم خودکنترلی، سادگی و کم‌عقلی، بی‌وجدانی، خیانت‌کاری، شخصیت غیراجتماعی، قوی هیکل بودن
	رفتارها و عوامل مؤثر در تجاوز	مصرف مواد، استفاده از سلاح، تماشای پورن، لذت از سکس زوری، انگیزه‌های انتقام
	عوامل اجتماعی و فرهنگی	بی‌سوادی، جامعه‌پذیری ناصحیح، عدم

جامعه‌پذیری جنسی		
نابسامانی خانوادگی، قربانی تجاوز در کودکی، اختلالات روانی	وضعیت زندگی و روابط متجاوزین	

عدم همخوانی ظاهر و باطن

جامعه‌شناسی زیمل^۱ جامعه‌شناسی صوری است. مفهوم مرکزی در نظریات وی تمایز صورت و محتوا است. وی معتقد است که باید امور اجتماعی را خالی از محتوا بررسی کرد و به فرم (صورت)‌های امور اجتماعی اهمیت داد. دلیل این امر را باید در این واقعیت جستجو کرد که شرایط متنی و مکانی در شکل‌گیری فرم، خود را به اشکال گوناگون بازمی‌تاباند. از نگاه زیمل، دینداری به عنوان محتوا می‌تواند فرم‌های مسیحی، یهودی، اسلامی یا آریایی و سامی یا توحیدی و غیرتوحیدی و مانند آن را شامل شود. دینداری به عنوان فرم می‌تواند محتواهایی مانند اعتقاد دینی، زیارت، نیایش، شعائر دینی و مانند آن را دربرگیرد. زیمل ابراز می‌کند که این فرم و محتوا در یک چرخش دیالکتیکی به جای هم می‌نشینند. دین برای زیمل، فرمی برای زندگی است و چنانکه می‌گوید: هرگز نمی‌توان بدون فرم زندگی را درک کرد. افراد قابل احترام به هر نوع حکم جزمی بی‌اعتنا نیستند و دینداری این افراد بی‌تردید ذاتاً یکی است. اگر چه محتوای آنچه به آن معتقدند بسیار متنوع است، فرم دین برای همه آنان یکی است. زیمل معتقد است که اساساً نیاز به دینداری، منشاء پیدایش دین است. در زندگی ضروری بشر احساسات و انگیزه‌هایی هستند که می‌توان آن‌ها را دینی نامید، هر چند که آن‌ها هنوز دین را تشکیل نداده باشند. نگرش روح، مقدم بر فرم‌های دین است. دین دینداری را پدید نمی‌آورد بلکه دینداری دین را پدید می‌آورد (Khani & Nourbakhsh, 2016). در بخشی از یافته‌های این پژوهش، عاملان از فرم دینداری با محتوای غیراخلاقی (تجاوز) استفاده کرده‌اند. قربانیان با اعتماد به فرم دینی عاملان و با علم به ارتباط اخلاقیات با دین، قربانی تجاوز جنسی شده‌اند و این ناهماهنگی یکی از علت‌های اصلی تجاوز است. شواهد مثالی:

ع م می‌گوید: «این آقا (متجاوز) عاشورا تاسوعا نذری دارن، نذر بزرگ با چند تا از دوستاش. ولی چون آدم خیلی شهرت‌بازیه، دوس داره همه چی رو به اسم خودش تموم کنه. برا اینکه بگن پسر حاج آقا فلانی آدم خوبیه. از اینا که یه بار به یه پیرزن کمک کرده بود فقط سه بار پیش من گفت. خواهر و برادرش همشون حاجی‌اند ولی داداشش 54 سالشه و یه پسر 28 ساله داره. من یه پیچی داشتم توی اون پیچ دست از سر من برنمی‌داشتند که دوست شیم دوست شیم. در این حد خانواده لجنی‌اند. اون آقا ادای مذهبی‌ها رو درمیآره مذهبی نیست. من فک نمی‌کردم همچین کاری بکنه».

ب ق می‌گوید: «اصلاً فک نمی‌کردم همچین آدمی اون کار رو بکنه. کسی که با من اون نسبت رو داره همچین حرکتی کنه. اصلاً توی ذهنم نبود همش با خودم می‌گفتم که اینا مسلمونن، اینا روزه می‌گیرن، اینا نماز می‌خونن، بعد متوجه شدم کسایی که اینجورین هیچ گونه چارچوبی ندارن من عروسم بودم من بابا صداس می‌کردم اما...».

ت پ می‌گوید: «من اصلاً به فکرم هم نرسید همچین آدمی بخواد اینکار رو بکنه. چون تمام این مدتی که خونه‌شون می‌رفتم شده بود که بارها باهاش تنها بمونم توی اون خونه. ولی هیچ‌وقت همچین اتفاقی برام نیفتاده بود. چون همیشه هم خودش

می‌گف دیر وقته من تو رو برمی‌گردونم خودم. فک نمی‌کردم یه روزی همچین آدمی که اینقد به من تعصب داره اندازه خواهرش، این کار رو بکنه».

جدول شماره 4: مفهوم عدم همخوانی ظاهر و باطن

مقوله اصلی	خرده‌مقوله‌ها	کدهای باز
عدم همخوانی ظاهر و باطن	استفاده ابزاری از دین و قشری‌گری	پوشش متظاهر: استفاده ابزاری از دین و قشری‌گری، عیاشی و فساد در لباس دین: فساد در لباس دینداری
	خانواده و اعتماد به ظاهر محترم متجاوزین	آینه‌های شکسته: خانواده ناسالم، ذهنیت نادرست: فریب ظاهر موجه متجاوز، اعتماد نابجا: اعتماد نادرست به خانواده‌های قابل اعتنا، تصور اخلاق‌گرایی: چارچوب دروغین افراد ظاهرساز
	ویژگی‌ها و رفتارهای متجاوزین	نقاب خبیث: متجاوز خیرخواه، فساد در لباس احترام: اعتماد به ظاهر محترم متجاوز

بحث و نتیجه‌گیری

تجاوز جنسی، یک پدیده فراگیر است که زندگی میلیون‌ها زن و مرد را در جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد. نوشتار حاضر با هدف شناخت ویژگی‌های عاملان تجاوز جنسی از دیدگاه قربانیان انجام گرفته است. از بررسی یافته‌های این پژوهش، 4 مقوله اصلی، مردان نقابدار، دوستان خائن، فقر فرهنگی و عدم همخوانی ظاهر و باطن حاصل شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که یکی از علت‌های تجاوز که مختص جامعه آماری این مطالعه است، فرهنگ خودمداری است. متجاوزان جنسی برای رسیدن به امیال شخصی خود، قربانیان و جامعه را نادیده گرفته‌اند. چنانکه قاضی‌مرادی هم در کتاب «در پیرامون خودمداری ایرانیان» می‌نویسد: گرایش انسان به زندگی در محدوده رفع نیازها و تحقق منافع و مصالح شخصی و خصوصی بی‌واسطه آنی و فوری به عنوان تعریف خودمداری ارائه می‌شود. در این تعریف، نیازها، منافع و مصالح، شامل هر دو گروه مادی و معنوی می‌شود. شخصی و خصوصی بودنشان از یک سو معرف جدایی آن‌ها از نیازها و منافع اجتماعی و عمومی است و از سوی دیگر تلاش و تقلا در حوزه فعالیت شخصی و خصوصی زندگی را می‌نمایاند. از این نقطه‌نظر در خودمداری، این حوزه زندگی فرد، آن‌چنان گسترش می‌یابد که همه فعالیت زندگی او را دربرمی‌گیرد. فوریت این نیازها و منافع نیز معرف روزمره بودن آن‌هاست. انسان خودمدار به نیازها، منافع و مصالح خود، آگاهی بی‌واسطه دارد. او بر نیازها، منافع و مصالح خود، بدون واسطه حوزه عمومی زندگی آگاه می‌شود. قاضی‌مرادی مهم‌ترین عامل و علت سیاسی خودمداری ایرانیان را حکومت استبدادی معرفی می‌کند (Gazi Moradi, 2008: 28-29). چنانکه نقش حاکمیت در ایجاد، پایداری و ترویج این فرهنگ (فرهنگ خودمداری) بسیار حائز اهمیت است. وقتی طبقه حاکم، سلطه سیاسی – طبقاتی‌اش را در سیستمی مستبد اداره می‌کند، فرهنگ و مردمانی مستبد به بار می‌آورد. وقتی منابع مادی جامعه در

دست طبقه حاکم است، همزمان کنترل ابزار تولید ذهنی و فکری را هم در دست دارد که از طریق این فرهنگ، جامعه را به انقیاد خود درمی آورد. قربانیان اصلی یک جامعه استبدادی، اقلیت‌های ملی، قومی، جنسیتی و عقیدتی هستند. در یک جامعه مستبد که طبقه حاکم را مردان تشکیل می‌دهند، مردان این جامعه (متجاوزان جنسی) برگرفته از فرهنگ خودمداری طبقه حاکم، زنان و مردان ضعیف‌تر از نظر فیزیکی و اجتماعی را به انقیاد خود درمی آورند. چنانکه در تبیین یافته‌های این تحقیق، آدورنو و هورکهایمر^۱ هم در کتاب دیالکتیک روشنگری می‌نویسند: آنانی که بر قله قدرت نشسته‌اند، دیگر حتی علاقه‌ای به پنهان کردن این ساختار ندارند. ساختاری که قدرت‌اش همپای افزایش تأیید خام و خشن هستی‌اش فزونی می‌گیرد (Adorno & Horkheimer, 2010: 210). اصطلاح صنعت فرهنگ که اولین بار توسط این دو نظریه‌پرداز مکتب انتقادی مطرح شده است، به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که طی آن فرهنگ از کارکرد اصلی خود خارج شده و در خدمت هژمونی غالب جامعه قرار گرفته است. صنعت فرهنگ به معنای تولید هدفمند یک فرهنگ استاندارد و قالبی است که توسط نظام حاکم تولید می‌شود تا افراد را در جهتی همسو با تمایلات و منافع این نظام، هدایت کند و افکار و اعتقادات خود را که در راستای منافع‌شان است، در قالب فرهنگ تثبیت و ترویج کند و مردم را تابع بی‌چون و چرای اهداف و مقاصد خود کند. در این صنعت، انسان، برده نظامی است که به طور غیرمستقیم و از طریق ایدئولوژیک بر او سلطه می‌یابد (Farrokh Vandi & Parsi, 2017: 89). این نظریه با مقوله فقر فرهنگی، همسو است. مطابق نظریه مدل ساده بزه خردمندانه بکر^۲، افراد در هر موقعیتی که باشند، پیش از ارتکاب هر بزه یا فریبی، ابتدا بر اساس نوعی تحلیل عقلانی، میزان سود و زیانی را که از ارتکاب یک بزه فریبکارانه نصیب آنان می‌شود، محاسبه کرده و هرگاه سود یک عمل بزهکارانه مانند ریاکاری از زیان آن برای فرد بیشتر باشد، به انجام آن مبادرت می‌کنند. گافمن در تحلیل رفتارهای ریاکارانه معتقد است که اجزای نمایش متناسب با فهم انتظارات و معیارهای جامعه‌ای که در آن نمایش داده می‌شود، جامعه‌پذیر می‌شود؛ شکل می‌یابد و جرح و تعدیل می‌گردد. از جنبه مهم دیگر، این فرآیند جامعه‌پذیری، آرمانی شده و ایده‌آل‌سازی می‌شود. فرد در حضور دیگران تمایل دارد که در رفتارهایش، ارزش‌های رسمی مجاز جامعه را رعایت کرده و نمودی متناسب و سازگار با معیارهای آرمانی از خود نشان دهد. ریاکاران متناسب با ایده‌آل‌های جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند به مذهب، قانون، تجدد، علم و امثالهم تظاهر می‌کنند. ریاکار به گونه‌ای رفتار می‌کند که هرگز تصریح نمی‌کند که دقیقاً چه قصدی دارد. قربانیان تجاوز جنسی نیز با اعتماد به نقاب متجاوزان، مورد تجاوز قرار گرفته‌اند. این نظریه‌ها، مقوله محوری مردان نقابدار را تأیید می‌کنند. ماکیاولی^۳ در کتاب شهریار می‌نویسد: حاکمیت از همه ابزارها، ولو دین برای پیشبرد حکومت و قدرت استفاده می‌کند. ماکیاولیسم مذهبی یعنی استفاده ابزاری از اخلاق و دین و بازگشت ابزارگرایی و عمل‌گرایی در قالب جدید و با پشتوانه دینی.

از دلایل دیگر این امر، حاکم شدن فرم‌گرایی است که باعث می‌شود ظاهر را مطلوب جلوه دهند اما اعتقادات باطنی آن‌ها در تعارض با ظاهرشان است. این نظریه، مقوله عدم همخوانی ظاهر و باطن را تأیید می‌کند. گافمن نیز در نظریه بازتاب به بررسی و تأثیرات مختلف حاکمیت بر چگونگی شکل‌گیری شخصیت افراد می‌پردازد. در این پژوهش، عاملان تجاوز جنسی با تأثیرگیری از فرهنگ ریا و تظاهر در جامعه، دارای شخصیت دوگانه هستند که برای دستیابی به اهداف خود از آن استفاده کرده‌اند. در مقوله دوستان خائن هم قربانیان به پیوندهای خانوادگی، فامیلی و عاطفی عاملان فریفته شدند و مورد تجاوز قرار گرفتند. این عاملان با رد شدن از ارزش‌های اخلاقی، علاوه بر تجاوز به قربانی به حریم خانوادگی و فامیلی نیز خیانت کردند. از مقوله‌های محوری به

1. Adorno & Horkheimer
2. Becker
3. Machiavelli

دست آمده، مقوله مرکزی «پشت نقاب تجاوز: رازهای پنهان» استحصال شد. مقوله مرکزی با بررسی لایه‌های مستتر رفتارهای متجاوزان جنسی نشان می‌دهد که این افراد، خود را پشت نقاب‌های اجتماعی پنهان می‌کنند. یعنی هویت واقعی و اعمال خشونت‌آمیزشان پشت پرده‌ای از فریب باقی می‌ماند.

کرایسانی و همکاران (2002)، ابی و همکاران (2001)، سیگوردسون و همکاران (2010)، ویقنر و همکاران (2014)، ریورا و جفک (2020)، باسیل و همکاران (2021)، گیمنز و همکاران (2022)، زومر و همکاران (2023)، سن و همکاران (2000)، تری (2012)، تارپ و همکاران (2013) در تحقیقات خود به ویژگی‌هایی مانند خانواده ناسالم، قربانی تجاوز در کودکی، مصرف الکل و مواد مخدر، شخصیت ضداجتماعی، داشتن دیدگاه‌های متفاوت در مورد رابطه جنسی، تلاش برای ارضای قدرت جنسی، عدم خودتنظیمی جنسی، تأثیر همسالان بزهکار، تنوع‌طلبی جنسی برای متجاوزان جنسی رسیده‌اند. این مطالعه ضمن تبیین یافته‌های تحقیقات قبلی، به ویژگی‌های شخصیت دوگانه و ریاکاری و تزویر، خاستگاه روستایی، افتخار متجاوز به روابط جنسی متعددش، قدرت فیزیکی بالا، تماشای فیلم‌های مستهجن (پورنو)، هوش اجتماعی پایین، انگیزه‌های انتقام، عدم جامعه‌پذیری جنسی، اختلالات روانی، قشری‌گری (تظاهر به دینداری)، فریبکار و ... رسیده است. متجاوزان با استفاده از ماسک‌های پذیرفته شده از طرف جامعه، اعتماد قربانیان را جلب کرده و دست به عمل تجاوز زده‌اند. شایان ذکر است که شغل، قومیت، وضعیت تأهل و تحصیلات متجاوزان نقشی در عدم ارتکاب آنان به تجاوز جنسی نداشته است.

حال با توجه به یافته‌ها پیشنهاد کاربردی زیر در راستای تخفیف مسأله یاد شده ارائه می‌شود:

- آموزش عمومی: افزایش آگاهی عمومی درباره ویژگی‌های متجاوزین نقابدار و روش‌های فریب آن‌ها.
- بررسی عمیق‌تر: ایجاد سیستم‌های نظارتی و روان‌شناسی برای شناسایی افراد با اختلالات شخصیتی خطرناک.
- حمایت از قربانیان: ایجاد مراکز حمایتی برای قربانیان تجاوز و ارائه خدمات روان‌شناسی و حقوقی به آن‌ها.
- تشویق گزارش‌دهی: ایجاد محیطی امن برای قربانیان تا بتوانند بدون ترس از قضاوت، تجاوز را گزارش دهند.
- افزایش نظارت خانوادگی: تشویق خانواده‌ها به نظارت بیشتر بر روابط فرزندان و ایجاد فضای باز برای گفت‌وگو درباره مسائل جنسی.

- ارتقای سطح فرهنگی: اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی برای افزایش آگاهی عمومی و کاهش فقر فرهنگی.
- اصلاح جامعه‌پذیری جنسی: آموزش‌های صحیح جنسی در مدارس و خانواده‌ها برای جلوگیری از جامعه‌پذیری ناصحیح.
- افزایش آگاهی درباره فریب‌کاری: آموزش به افراد درباره عدم قضاوت بر اساس ظاهر، و اهمیت بررسی رفتارهای واقعی افراد.
- نظارت بر نهادهای مذهبی: ایجاد سیستم‌های نظارتی برای جلوگیری از سوء استفاده افراد از نهادهای مذهبی.
- تشویق به گزارش‌دهی: ایجاد سازوکارهایی برای گزارش‌دهی درباره افراد مشکوک، حتی اگر ظاهراً محترم به نظر برسند.

تضاد منافع

هیچ تضاد منافی برای این مقاله وجود ندارد.

منابع

- Akbari, L., Kalantar Hormozi, A., & Farahbakhsh, K. (2021). Phenomenological analysis of the lived experiences of female victims of sexual harassment in Tehran city. *Journal of women studies*, 18(4), 127-162. doi: 10.22051/JWSPS.2021.34123.2335. (In Persian).
- Abbaszade, M. (2012). validity and reliability in qualitative researches. *Journal of Applied sociology*, 23(1), 19-34. (In Persian).

- Ahmadi, H.(2008). *Sociology of deviations*.Tehran. Samt.(In Persian).
- Ahmadi, S., Hamidpoor, K., Sedaghat, H., & Karami, F.(2021). Violence against women: the rule of patriarchal Ideology and the hegemony of male domination(case study: women in bushehr). *Women in development and politics*, 19(4) , 545-572.
- doi: 10.22059/JWDP.2021.318773.1007961.(In Persian).
- Ahmadi, H., & Garoosi, S.(2004). Socio-cultural factors and gender inequality in the family: a case study of the city of Kerman and its surrounding villages. *Womens studies*, 2(6) , 5-30.(In Persian).
- Anvari, M.(2018). Structural Factors behind the Formation of pretense in Iran.*Islam and Social Studies*, 5(4) , 118-145.doi: 10.22081/JISS.2018.65946.(In Persian).
- Adorno, T., & Horkheimer, M.(2010). *Dialectic of Enlightenment*. translated by Morad Farhadpoor and Omid Mehregan. Fourth Edition, Tehran. Gam NO.(In Persian).
- Abbey, A., Parkhill, M. R., Clinton-Sherrod, A. M., & Zawacki, T.(2007). A comparison of men who committed different types of sexual assault in a community sample. *Journal of Interpersonal Violence*, 22(12) , 1567–1580.
- Basile, K. C., Smith, S. G., Liu, Y., Lowe, A., Gilmore, A. K., Khatiwada, S., & Kresnow, M.(2021). Victim and perpetrator characteristics in alcohol/drug-involved sexual violence victimization in the U.S. *Drug and Alcohol Dependence*, 226(4) , 108839.
- Craissati, J., McClurg, G., & Browne, K.(2002). Characteristics of perpetrators of child sexual abuse who have been sexually victimized as children. *Sexual Abuse: A Journal of Research and Treatment*, 14(3) , 225–239
- Dehghani, Z., Asayesh, M., & Shahmoradi, S.(2022). Experience of types of marital sexual violence in women victims in Tehran: a qualitative study. *Rooyesh-e-Ravanshenasi journal*, 10(11) , 169-182.<http://frooyesh.ir/article-1-3077-fa.html>.(In Persian).
- Farrokh Vandi, A., & Parsi, F.(2017). Analysis and criticism of the culture industry in the Frankfurt school(with an emphasis on the discussions of Horkheimer and Adorno). *Promotion science*, 7(11) , 85-103.(In Persian).
- Giménez-Salinas Framis, A., Pérez Ramírez, M., González Álvarez, J. L., & Soto, J. E.(2022). Number of participants in multiple perpetrator sexual aggressions. *Legal and Criminological Psychology*, 28(1) , 122–135.
- Gazi Moradi, H.(2008). *On the self_centeredness of Iranians*. Tehran. Bakhtaran.(In Persian).
- Hafhighatmanesh, E., Aghamohammadian, H., Ali Ghanbarihasheem Abadi, B., & Mahram, B.(2010). A comparative study of adult rapists' attachment styles and its domains with non rapists.*Educational and psychological studies*, 11(1) , 279-296.(In Persian).
- Haghighat Manesh, E., Agha Mohammadian Shaer Baf, H., Ghanbari Hashem Abadi., B., & Mahram, B.(2010). Early maladaptive schemas and schema dimains in rapists. *Iranian journal of psychiatry and clinical psychology*, 16(2) , 145-153.(in Persian).
- Kittelson, Mark.(2012). *Facts about rape*.translated by Sasan Vadie, Tehran. Bahman Borna.(In Persian).
- Kordi, H., & Hosseini Nozari, A.(2015). Women's experiences of sexual harassmtent types. *Refahj*, 15(57) , 7-30. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2161-fa-html>.(In Persian).
- Khani, A., & Nourbakhsh, Y.(2016). A critical perspective of Georg Simmel's views on religion the ratio between religion and religiosity in Georg Simmel's formal sociology. *Journal of Iranian social development studies*, 8(2) , 35-48.(In Persian).
- Molaverdi, Sh.(2007). *Autopsy of violence against women*. Tehran. Hogogdan.(In Persian).
- Mahdie, A., Hemmati, R., & Vedadhir, A.(2016). Academic socialization process of doctoral students in university of Isfahan. *Research and planning in higher education*, 22(1) , 45-73.(In Persian).
- Motaghi Dastenaee, B., Reisi, Z., & Asefi, F., Poorbakhtiar. M.(2013). Prevalence of depression among women complaining of rape in Tehran. *Journal of Gorgan university of medical sciences autumn*, 18(3) , 118-121.(In Persian).
- Mason, F.(2013). Psychological consequences of sexual assault. *Best Practice & Research Clinical Obstetrics & Gynaecology*, 27(1) , 27–37.
- Moeini, A., & Merati, E.(2015). Development method of organizational architecture framework: Interpretive phenomenological study. *Information technology management*, 7(1) , 143-162.(In Persian).

- Najjar Nahavandi, M., & Ahangar Salabati, A.(2010). Sociological investigation of women's sense of sexual security. *Iranian journal of social problems* , 1(3) , 167-177.(In Persian).
- Panahi, M.(2015). Cultural development is a necessity for economic social and political development. *Welfare and social development planning*, 6(22) , 1-23.(In Persian).
- Parhizkar, M., & Etemadiuan, S.(2017). Experiences of transformational leaders with an entrepreneurial and innovative performance customs(with a descriptive phenomenological approach of Colaizzi). *Quarterly Journal of organizational behavior studies*, 7(1) , 1-29.(In Persian).
- Rezvani, S., Mahdavi poor, A., & Monib, A.(2020). Sexual violence against women in Iran and Afghanistan legal system: from sexual harassment to rape. *Legal research*, 23(91) , 351-375.(In Persian).
- Rahiminejad, I.(2015). *Criminology*. Tehran. Forozesh.(In Persian)
- Ritzer, G.(2017). *Sociological theory*.translated by Hoshang Nauebi, Tehran. Publication Ney.(In Persian).
- Ramazan Nargesi, R.(2004). Rape and victimization of women. *Women's book quarterly*,(2) , 1-56.(In Persian).
- Robatjazi, M., Simbar, M., Nahidi, F., Gharedaghi, J., Emamhadi, M., Vedadhir, A., & Jafary, A.(2015). Using of the colposcopy in hymen examination. *Iran j forensic med*, 22(1) , 23-30.(In Persian).
- Rivera, D., & Jeglic, E. L.(2020). Exploring the relationship between anger, aggression, and perpetrator substance use in the commission of sexual offenses. *Journal of Forensic Psychology Research and Practice*, 20(1) , 12–29.
- Sigurdsson, J. F., Gudjonsson, G. H., Asgeirsdottir, B. B., & Sigfusdottir, I. D.(2010). Sexually abusive youth: What are the background factors that distinguish them from other youth? *Psychology, Crime & Law*, 16(4) , 289–303.
- Smallbone, S. W., & Dadds, M. R.(2001). Further evidence for a relationship between attachment insecurity and coercive sexual behavior in nonoffenders. *Journal of Interpersonal Violence*, 16(1) , 22–35.
- Sotode, H.(2005). *Social pathology*. Tehran. Avaue noor.(In Persian)
- Seddig Servestani, R.(2011). *Social pathology*. Tehran. Samt.(In Persian).
- Seddig Mohammadi, M., Ganji, M., & Ahmadi, U.(2019). Explaining the situation of structural violence in Sanandaj city. *Iranian journal of social studies*, 13(1) , 108-132.(In Persian).
- Wegner, R., Pierce, J., & Abbey, A.(2014). Relationship type and sexual precedence: Their associations with characteristics of sexual assault perpetrators and incidents. *Violence Against Women*, 20(11) , 1360–1382
- Zeraatpishe, R., Shiri, A., Najafi Abrandabadi, A., & Mahmoudijanaki, F.(2020). Gender stereotypes affecting rape in the components of Iranian culture. *Criminal law research*, 9(32) , 151-177.<https://doi.org/10.22054/jclr.2020.45292.1982>.(in Persian).
- Zeraatpishe, R., & Shiri Varnamkhasti, A.(2022). Criminological analysis of misconceptions about perpetrators and victims of rape in the light of cultural theory. *Legal studies*, 14(2) , 435-458.(In Persian).
- Zomer Locatelli, T., Garcia da Silva Vieira, G., Rubia Lindner, S., Warmling, D., Bolsoni, C., & Berger Salema Coelho, E.(2023). Characteristics of men and women authors of sexual violence: A scoping review. *Health Sciences*, 12(4) , 2525–3409